

# مدیرانه

سال اول، شماره ششم، بهمن ماه ۱۳۹۹  
انجمن اسلامی دانشجویان مستقل  
دانشکده مدیریت دانشگاه تهران



# مدیرانه

## فهرست مطالب

۳

« سخن سردبیر

۴

« زنان در جامعه

۴

چه کردند و چه نکردیم

۶

« مصاحبه با زنان موفق

۶

تلاش، رمز موفقیت: مصاحبه با دکتر عالیہ کاظمی

۸

« روانشناسی

۸

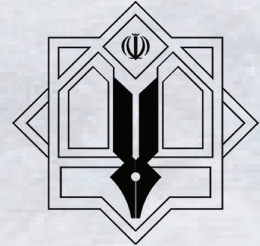
خود واقعیت باش

۱۰

صرفاً جهت یادآوری

۱۲

دل نوشته



انجمن اسلامی دانشجویان مستقل  
دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

مدیرمسئول و سردبیر:

سارا عوادزاده

طراحی:

محمد مهدی تورک



@Deraye\_management



@Deraye\_management



# سخن سردبیر

به نام الله

موضوع زنان در طی اعصار مختلف به شکل های متفاوتی توسط اندیشمندان مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. موضوع زنان در جامعه ریشه در نهاد خانواده دارد.

خانواده مهم ترین عنصر اجتماعات بشری و خواستگاه ظهور و بروز فرهنگ های گوناگون و رشد و پرورش انسان هایی بوده است که جوامع بشری را به اوج عزت یا حضيض ذلت رسانده اند. بدون عنصر خانواده نه تنها هویت انسانی بلکه جامعه و بشریت رو به انحطاط می رود. از طرفی باید در نظر بگیریم بیش از نیمی از سرمایه های انسانی کشور را زنان تشکیل می دهند و این خود دلیل مبرهني براي پرداختن به مسائل نيمي از سرمایه های انسانی کشور است.

ضروري و لازم است که زنان نسبت به موضوعات خود در جامعه و خانواده اطلاعات. جامع و مبسوطی داشته باشند تا بتوانند از حقوق خود دفاع کنند و علاوه بر آن اعضای جامعه و مردان اطلاعات کاملی درباره نقش زنان در عرصه های گوناگون زندگی، خانواده و جامعه داشته باشند تا بتوانند با آگاهی و شناخت کامل مکمل و سکوی پرتابی برای بانوان باشند.

اینکه چرا يك شماره مدیران را کاملاً به این موضوع اختصاص دادم به دلیل باوری بود که نسبت به نقش دختران سرزمینم در دانشگاه ها و اعم از آن در جامعه داشتم.

همچنین اعتقاد راسخ به تاثیرگزارى عمل هر فرد در جامعه سبب شد در کنار همه پرداختن ها به مسائل زنان، ما هم نیز به زنان و دخترانمان بپردازیم.

مطابق سنت هر شماره برای بیان انتقادات و پیشنهادات و اعلام همکاری خود به ایدي درج شده پیام بدهید.

 @SaraAvadzadeh

 سارا عوادزاده

 کارشناس مدیریت بازرگانه

# زنان در جامعه

## چه کردند و چه نکردیم

از وقتی که کودک بودم و روزهایم با آک دولک یا بازی با تفنگ آب پاش و گل کوچیک در زمین های سفت سخت، شب می شد.

یا مثلا وقتی که در آن یکی مدل آموزش پرورش آن زمانی که دوران ابتدایی پنج سال بود در کلاس های مختلط درس میخواندم.

یا مثلا آن زمانی که با خواهر کوچکترم دعواهای کودکانه میکردم و سریعاً اشتی یا حتی همین اخری ها که تصمیم گرفتم ادامه این مسیر پر تلاطم را با یکی از همان هایی که از کودکی بزرگترها به هنگام بازی، درس و دعوا گفته بودند مانند مروارید بین صدف و از برگ گل نازک تراست همراه شوم. یادگرفته بودم که زن و جایگاهش بالاتر از همه آن چیزهایی است که من و شما و رسانه های عریض طویل این دنیای مادی سعی در تبیین جایگاهش به شکل دنیایی و مادی داشته باشیم، چه بسا اگر حتی جایگاه زن را در عالم مادی خود درست تبیین میکردیم کارمان کم از کشف برق نداشت اما صد حیف که هرچه کردیم و میکنیم برای تقلیل و رساندن جایگاه زن به حد دعوی شیرین تراز غسل مدنظر امثال مسیح علی نژاد است. یعنی دعوای بی دلیل و احساسی بر سر پوشش و بدتر از آن خلط وظایف زنان با وظایف مردانه با هدف نشان دادن عدم رعایت حقوق زنان این سرزمین و تضییع حقوق آنان.

اصلاً میدانی من میلاد نمیدانم چرا باید برای این حوزه بنویسم مگر آن بیست اندی دستگاه متولی حوزه فرهنگ و زنان خبر مرگشان مرده اند؟

اما مینویسم و فریاد میزنم مانند خیلی از شماها، چرا که اگر هم رفیق هم نیستیم، لااقل هم درد که هستیم.

هم درد آینده ای که اگر به فکر دردش نباشیم باید بر بالینش سوگواری کنیم.

اما بعد

مسئله زن مسئله امروز ایران نیست و نخواهد بود، همانطور که در آمریکا یک مسئله مربوط به دهه ۶۰ تا ۸۰ میلادی نبود.

منظورم همان امریکایی هست که انقلاب جنسی را دیده، انقلابی اجتماعی، برخواسته از یک کنش اجتماعی به ظاهر درست که مثلا توسط زنان آن سرزمین ایجاد شد.

زنانی که امیدوار بودند با دست یابی به حق آزادی جنسی و روابط خارج از چهارچوب بتوانند به آن برابری و آزادی آرمانی مد نظر خود برسند، در صورتی که همه وعده ها برای حقوق اجتماعی برابر و آزادی زنان صرفاً سرابی بود برای دست یابی هرچه بیشتر سواستفاده گران و منافع شخصی صاحبان قدرت.

صاحبان قدرتی که زنان را صرفاً به در چهارچوب نگاه ابزاری ارزیابی می کردند و با ایجاد توهمات آزادی، هرچه بیشتر آنان را استثمار کردند، و حال جنبشی که برای آزادی زنان راه اندازی شده بود تبدیل شده بود / است به معضلی که آزادی زنان را نه تنها تضمین نکرد بلکه آن را تحت شعاع قرار داد.

این چند خط را گفتم که برسم به اینجا، سرزمینی که هر روز درگیر معضل جدیدیست خواه از طرف منفعت طلبان دل داده به همان صاحبان انقلاب جنسی و یا دلسوزان ندانم کار.

اینکه غرب به عنوان پرچم دار دروغین آزادی چه کرد برای اینکه زن و مرد ایرانی با حیا را به این سمتی سوق دهد که

زنان و مردان خود را در انقلاب جنسی سوق داد باید بگویم کار زیادی نکرد صرفاً ذائقه مردم این سرزمین یعنی ایران و یا هر سرزمینی که برایش نقشه دارد را تغییر داد. ذائقه ای که او همه کار برای تغییرش کرد ولی ما هیچ کاری برای محافظت و تقویت از آن نکردیم.

در مثل جای مناقشه نیست از هیمن رو، مثلاً روزی اگر کسی شلوار پاره می پوشید از دید بسیاری از مردم ایران آن شخص فردی فقیر بود، اما امروز نشان وضع مالی خوب و به روز بودن است.

یا مثلاً اگر دختری با پسری و بلعکس رابطه خارج از چهارچوب رسمی داشت در دید هر دو خانواده و اکثر ایرانی ها عملی زشت و ناپسند انجام داده بود.

اما امروز به لطف تغییر ذائقه مردم و خوانواده ها این ها ملزومات یک زندگی به روز است و اگر شخصی غیر از این باشد محکوم به تحجر است.

چشم های خود را ببندید جنوب شرق آسیا را تصور کنید در حالی که مردمش در رستوران در حال خوردن یک سوسک اب دار تنوری دور چین کرم هستند و شدیداً از خوردن آن سوسک لذت میبرند.

چشم های خود را باز کنید حس بدی پیدا کردید؟ طبیعی است چرا که ذائقه ایرانی با خوردن سوسک سازگار نیست ولی مردم جنوب شرقی آسیا از کودکی با خوردن این مدل خوراک خو گرفته اند.

از همین مدل میتوان برای تطبیق چگونگی تغییر ذائقه ایرانی استفاده کرد. وقتی از سنین کودکی فردی در معرض خوردن سوسک قرار میگیرد قطعاً در آینده ناخودآگاه ذائقه اش با آن همسو است، حتی اگر سوسک نخورد، سوسک خوری را کار چندشی نمی داند.

این نگاره را این گونه تمام کنم؛ اگر همین امروز اقدام کنیم برای باز پس گیری آن بخش از ذائقه مان که از دست رفته در بهترین حالت ممکن ۱۵ تا ۲۰ سال آینده به نقطه مطلوب باز خواهیم گشت در غیر این صورت دور نیست ترکیه شدن ایران و یا تبدیل شدن ایران به امریکا دهه ۶۰ تا ۸۰ میلادی و حتی امریکای فعلی.

با همه این گذاره های مطرح شده کف جامعه ایرانی را همچنان در تضاد با آن مدل آزادی غربی میدانم حتی آن دختری که شاید پوشش مناسب جایگاهش نیست و یا حتی فکر میکند آزاد نیست و... به طور کامل از چهارچوب آن تعریف متعالی جایگاه زن که از برگ گل نازک تر است و جایگاهی خدا وار در بین ایرانی دارد خارج نشده است. هرچند ممکن است جراحاتی در این جنگ فرهنگی تمام عیار برداشته باشد ولی هنوز میدان را خالی نکرده.

 **میلاذ مغاخری**

 **کارشناسه ارشد رفتار سازمانی**

# مصاحبه با بانوان موفق



مصاحبه با دکتر عالیہ کاظمی  
عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

## تلاش، رمز موفقیت

**لطفا در ابتدا خودتان را برای دانشجویان معرفی کنید و اهم فعالیت‌های اجرایی و کسب افتخارات و جوایز خود را بفرمایید.**

عالیه کاظمی هستم، دانشیار گروه مدیریت صنعتی. از سال ۱۳۹۰ عضو هیئت علمی دانشگاه تهران هستم. در این مدت ۴ سال معاون گروه مدیریت صنعتی بودم. قبل از دانشگاه تهران، به مدت ۴ سال در وزارت نفت کار می‌کردم. در مورد جوایز، زمانی که دانشجوی دکتری بودم، به عنوان دانشجوی نمونه و همچنین پژوهشگر نمونه دانشگاه تهران انتخاب شدم. زمانی که هیأت علمی شدم نیز به عنوان پژوهشگر نمونه جوان دانشگاه تهران انتخاب شدم و یکی از مقالاتم به عنوان مقاله‌ی برتر دانشکده مدیریت انتخاب شد. همچنین در کنفرانس بین‌المللی انرژی، رساله دکتری ام به عنوان رساله برتر انتخاب شد. اخیراً در جشنواره ملی علم و زن، جایزه مریم میرزاخانی را دریافت کردم. به عنوان بانویی که عضو هیئت علمی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران هستم و جایزه علم و زن بزرگداشت مریم میرزاخانی را دریافت کرده‌اید در این راه با چه موانعی روبرو شده‌اید و علت موفقیت خود را چه چیزی می‌دانید؟ مسلماً هر کسی در زندگی شخصی و زندگی کاری با موانعی مواجه می‌شود. فکر می‌کنم در حال حاضر چه خانم‌ها و چه آقایان هر کدام تلاش کنند می‌توانند به اهدافشان برسند.

علت اینکه تا حدی در زمینه‌ی کاری ام موفق بوده‌ام این است که تلاش و پشتکار زیادی دارم. اگر شکست می‌خورم، این شکست را یک تجربه تلقی می‌کنم تا بعدها اشتباهم را دوباره تکرار نکنم و اگر به هدفم نمی‌رسم آنقدر تلاش می‌کنم تا به هدفم برسم و آدم سخت‌کوش و پرتلاشی هستم.

همیشه برنامه‌ریزی می‌کنم و همه‌ی کارهایم مشخص است و دقیقاً می‌دانم که چه کاری را چه زمانی باید انجام بدهم. به عنوان کسی که رشته مدیریت خوانده است، چیزی که برایم خیلی مهم هست و در زندگی به من کمک می‌کند، برنامه‌ریزی دقیق هست و اینکه تا جایی که بشود مطابق با برنامه پیش می‌روم.

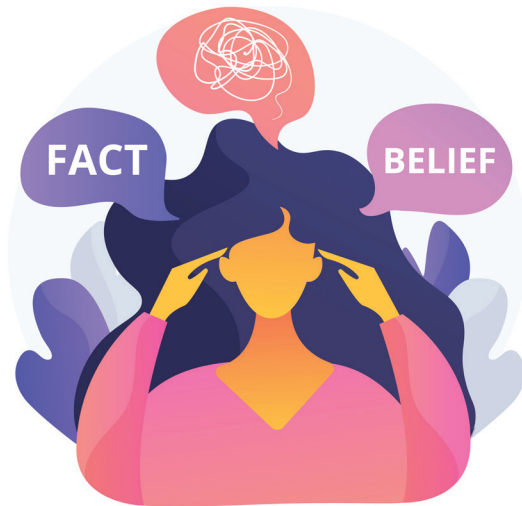
مسلماً در کنار این موارد فراموش نمی‌کنم دلیلی که توانستم در زمینه‌ی کاری موفق باشم این بوده که در یک دانشگاه خیلی خوب درس خوانده‌ام؛ از محضر اساتید برجسته کشور بهره‌برده‌ام و از آن‌ها یاد گرفتم که چگونه همیشه به دنبال یادگرفتن باشم و چگونه خوب تدریس کنم و پژوهش انجام دهم.

## **به عنوان يك بانوي موفق با مسئوليت هاي متعدد چگونه بين زندگي شخصي و حرفه اي خود تعادل برقرار کرده ايد؟**

بله مسئوليت هاي مختلفی دارم. در زندگي کاري استاد دانشگاه هستم و دانشجوهاي زيادي را بايد راهنمايي کنم. لازم است کارهاي مربوط به تدریس و پژوهش را به دقت بررسی و مدیریت نمایم. همچنین همسر و مادر هستم و باید به زندگي شخصي خودم هم توجه زيادي داشته باشم. آنچه که مهم هست وقتي مسئوليت هاي مختلفی داریم و مي خواهيم همه را آن ها را به خوبي انجام دهيم باید تلاش بيشتري هم داشته باشيم. براي اينکه بتوانم زمان کافي براي انجام کارهاي دانشگاه داشته باشم هميشه صبح های خيلي زود بيدار مي شوم. از طرف ديگر سعي مي کنم در زندگي شخصي به پیشرفت خودم و خانواده ام کمک کنم. خوشبختانه خانواده ام همراهان خوبي هستند و اين موضوع باعث شده که بتوانم بين زندگي شخصي و کاري تعادل برقرار کنم.

## **سخن پاياني خود و پيامي که به دانشجویان نسل جوان و بانوان که در عرصه جامعه حضور دارند به خصوص دختران جوان بفرماييد.**

سخنی که براي دانشجویان عزيز (از نظر من تفاوتی بين اقايمان و خانم ها در راه رسيدن به اهداف نيست) دارم اين است که اگر مي خواهيد در زندگي خود موفق باشيد خيلي تلاش کنيد و بدانيد که قرار نيست از روز اول بهترين اتفاق براي شما اتفاق بيافتد. در راه رسيدن به اهداف و آرزوها باید سختی ها رو تحمل کرد، خيلي تلاش داشت، شکست خورد، از شکست ها درس گرفت و بعد کم کم به جايي می رسيم که از کار و زندگي خود رضایت داریم. در يك کلام در راه رسيدن به اهدافتان خيلي تلاش کنيد. قدر دوره جوانی را بدانيد و از اين زمان طلايي حداکثر استفاده را ببريد. هيچ وقت نااميد نشويد، خوش بين و اميدوار به اينده باشيد.



# روانشناسی

## خود واقعیت باش

به عنوان یک زن، باید بهتون بگم که، آرزوهای ما، هسته اصلی هویت ما هستش. چقدر خوب اگر میتوانید یک زن خانه دار همه چی تموم باشید! اما اگر برای اینکار ساخته نشدید و مناسب این کار نیستید، باید بگم که هیچ ایرادی نداره! ذات هر فردی برای یک کاری ساخته شده و چطور میشه اون چیزی که خداوند خودش توی وجود ما قرار داده اشتباه باشه؟

خانه دار بودن، یه انتخاب خیلی خوب شخصی هستش. همونطور که وکیل بودن، پرستار بودن و روان شناس بودن...! ولی چه میشه کرد وقتی یک کاری، خواسته درونی ما نیست؟

وقتی تحصیلاتمون رو تموم میکنیم و به عنوان پزشک در کلینیک مخصوص به خودمون مشغول به کار میشیم، هویتی که به یکباره به ما بخشیده میشه، غیر قابل باور هست! مقدار زیادی توجه از جانب دوستان و خانواده و هرکسی که به نحوی شمارو میشناسه، به سمتتون سرازیر میشه.

واقعا زیبا هستش نه؟ اما چه میشه کرد اگه این شغل و موقعیت، آرزوی ما نیست؟! دوستان، ما گاهی روی باورهای غلط و محدود کننده، پا فشاری میکنیم. تمام تمرکزمون رو میذاریم روی این باورهای اشتباه و به همین راحتی، خودمون مانع آرزوهای خودمون میشیم.

البته، هم خانوم ها و هم آقایون ممکن گاهی از آرزوهایتون بگذرن، اما در این لحظه، روی صحبتتم با شما خانم هاست. احتمالاً بعضی هاتون الان دارید فکر میکنید که با من موافق هستید یا نه! قطعاً به اکثر شما از کودکی یاد دادند که به عنوان یک زن باید چه شکلی باشید! بذارید باهاتون رو راست باشم؛ بعضی از باورها، در درون ما نهادینه شده، پس اول از همه لطفاً با صداقت و دقت آموخته های قبلی خودتون رو زیر سوال ببرید.

زیر سوال بردن باورها! احتمالاً کار ترسناکی هستش! اما انجام این کار، چندان هم خالی از لطف نیست.

حتی بهتون اطمینان میدم با کنار گذاشتن باورهای غلط، قراره اتفاقات بهتری رو در زندگیتون رقم بزنید. عده ای از ما وقتی عقایدمون به چالش کشیده میشه، طوری به اون عقاید میچسبیم که انگار جلیقه ی نجات ما توی یه کشتی در حال غرق شدن و حتی اگر به لطف روزگار ما بفهمیم که یکی از عقایدمون غلط هستش، انگشت هامون رو توی گوشامون فرو میکنیم و بلند سروصدا میکنیم و امیدواریم که اون شواهدی که داره بهمون نشون میده اعتقاداتمون ممکنه درست نباشه، ناگهان از بین بره!

کاملاً قابل پیشبینیه که با دور ریختن باورهای غلط، جرات بیشتری خواهید داشت تا به سمت خواسته هاتون قدم بردارید. دوستان، اگه مشخص نکنین که چی میخواین و چی واقعا براتون مهمه، در نهایت کاری رو انجام میدین که



دیگران به شما دیکته میکنند. چرا؟ چون وقتی مطمئن نیستین چی میخوانین، کارهایی روانجام میدین که مورد تایید دیگران باشه چون هدف واضحه ندارین، پس کاری روانجام میدین که بقیه میخوان تا مورد تایید قرار بگیرید. بله، مهم ترین چیز مشخص کردن هدف و آرزو هستش اگه جای هدف رو بدونی، راه دستیابی بهش رو هم پیدا میکنی. بهانه هایی که مانع پیشرفت میشن رو دور بریزید.

حالا با شناخت همه این موارد، به عنوان یک زن هدفمند، باید «ثابت قدم» باشید.

یکبار دیگه تکرار میکنم. به عنوان یک زن هدفمند، باید «ثابت قدم» باشید.

نباید انتظار داشته باشید که با یک بار انجام دادن کار، به نتیجه و جایگاهی که دنبالش بودید برسید.

گاهی باید ده بار یا بیشتر تلاش کنید اما اهمیتی نداره، چون شما عاشق هدفتون هستین. خیلی ممکنه سر راهتون سنگ بندازن و عمدی و غیر عمدی، به شما بدی کنن، اما شعرِ شاعر بزرگ جوینده علم، مولانا را سر لوجه خود قرار دهیم که سروده اند:

آنچه با او توکنی ای معتمد

از بد و نیکی، خدا با تو کند

پس دوستای عزیزم رها کنین و راه خودتون رو برید و اجازه ندین که فردی مانع خواسته های شما بشه.

گاهی لازم هست به عنوان یک زن، بی پروا عمل کنین. اولش شاید خسته شید و فکر کنین که چقدر دارین کند حرکت میکنید! اما باز هم به حرکت ادامه بدید. چیزی که نیاز دارید مقداری عزت نفس هستش. شاید فکر کنید که یک انسان خوب، بی پروا عمل نمیکنه یا یک انسان خوب بی پروایانه به سمت خواسته هاش حرکت نمیکنه! اما باید بگم که: اینم یکی از اون باورهای غلط و «محدود کننده س».

گاهی باید بی پروا باشیم و برای رسیدن به هدفمون بهونه تراشی نکنیم. گاهی فکر میکنیم هدفمون خیلی از ما بزرگتره و ناخودآگاه میترسیم و از هدفمون کناره گیری میکنیم.

اینجاست که نیاز داریم عزت نفسمون بیاد سراغمون و اجازه نده بترسیم و بهونه تراشی کنیم. وقتی نترسیم، تازه میشیم خود واقعیمون.

وقتی نترسیم، هدف و شغل واقعیمون رو بی پروایانه دنبال میکنیم. و این، اون چیزیه که بهش نیاز داریم. همونطور که قبل تر بهتون گفتم: اگه مشخص نکنین که چی میخوانین و چی واقعا براتون مهمه، در نهایت کاری روانجام میدین که دیگران به شما دیکته میکنند.



فاطمه خوش نژاد



کارشناس روان شناسی

# صرفاً جهت یادآوری



تاحالا به این فکر کردین که به عنوان یک زن چه ویژگی‌های خاصی دارین؟؟؟  
اگر می‌بینین گاهی در جاهای مختلف آدم‌ها به طور خاص به این موضوع می‌پردازن و راجع بهش صحبت می‌کنن فکر نکنید که موضوعی هست که نیاز به اثبات داره یا حتی باید بین آدم‌ها جا بیفته. بلکه از قدیم گفتن: آن چیز که عیان است چه حاجت به بیان است!!

اما دلیل این‌که منم الان می‌خوام به یک چیز عیان بپردازم فقط و فقط یادآوری! ما آدما این روزا اینقدر کارهای مختلف داریم که حتی ممکنه نفس کشیدنم یادمون بره چه برسه چیزای دیگه! پس صرفاً جهت یادآوری برای شروع ماجرا از بین دریای ویژگی‌های خاص و جذاب خانم‌ها میرم سراغ:

## ۱. توانایی نقاشی و رنگ کردن

کاری که خانم‌ها خیلی توش ماهر هستن. منظورم نقاشی پرتره و رنگ کردن ساختمان نیست! البته اونا هم میتونه زیرمجموعه قرار بگیره! ولی اینجا منظورم توانایی بی نظیر خانوما تو رنگی کردن دنیای اطرافشونه. یک زن اگر بخواد می‌تونه خیلی راحت به دنیای اطرافش رنگ و زیبایی ببخشه. با صدایش با نگاهش با آغوشش... حالا چشماتون رو ببندین و صدای لالایی مادرتون رو توی ذهن تون مرور کنید. و یا آخرین صحنه‌ای که مادرتون لیوان دمنوش رو داده دستتون رو مجسم کنین. خوب بهش فکر کردین؟ تبرک می‌گم الان شما رنگی شدین.

حالا شما خانم محترم! مطمئنم که تا حالا بارها و بارها به دنیای اطرافت انرژی و رنگ بخشیدی. چه خودآگاه و ناخودآگاه. ولی پیشنهاد می‌کنم اگر این کارو کمتر به صورت خودآگاه انجام دادی ازین به بعد بیشتر بهش فکر کنی و تمرین کنی. چون این یکی از مهارت‌های مهمیه که دنیا بهش نیاز داره و فقط تو می‌تونی انجام بدی وگرنه همه آدم‌ها توی دنیای سیاه و سفید افسرده می‌شن.

## ۲. دلی داریم نازکتر از برگ گل

دل رحم بودن و مهربان بودن جزو ویژگی‌های انسانیه اما توی خانم‌ها به صورت ویژه قرار داده شده. حالا میدونین چرا؟ چون مهربانی و دلسوزی واقعیت وجودی آدماست و خشونت و جنگ و بدی توهمی بیش نیست که توی دنیا گسترده شده.

و برای ایجاد تعادل و بازگشت به تنظیمات کارخانه چه چیزی بهتر از لشکری به اندازه نصف جمعیت جهان؟ اونم با این میزان تاثیرگذاری؟!

فقط یک چیزی نباید یادتون بره. شما به عنوان سفیران محبت و مهربانی روی زمین باید ارزش هاتون رو فریاد بزنین و نزارید چیزی شما را از فطرتتون دور کنه.

### ۳. عشق مجسم

شاعر می فرماید:

الا یا ایها ساقی ادرکاسا و ناولها

که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکلها

این عشق آسان کننده زندگی شما هستی بانو!!

می دونم که اینو می دونی! و در ادامه هم در صورت بی توجهی به این ظرفیت درونی و استفاده نکردن از عشق، مشکلات مختلف به زندگی سرازیر می شن.

پس اینو یادت نره که کلید استفاده از جادوی زمین تو هستی. تویی که می تونی تصمیم بگیری که روزها معمولی بگذرن و دونه های شن ساعت شنی روی هم دیگه سر بخورن و پایین بیان یا جادوی عشق رو چاشنی روزها بکنی و زمان رو نگه داری.

همش به تصمیم تو برمی گرده.

خلاصه همان طور که گفتم عمق دریای صفات و ویژگی های فوق العاده ای که خدا به خانمها داده با قلم و فضای محدود من همخونی نداره برای همین به این سه ویژگی بسنده می کنم و سخنم را با چند بیت از حافظ به پایان می رسانم.

در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد

عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد

جلوه ای کرد رخت دید ملک عشق نداشت

عین آتش شد از این غیرت و بر آدم زد

عقل می خواست کز آن شعله چراغ افروزد

برق غیرت بدرخشید و جهان برهم زد.

 ملیکا نوذری

 کارشناسه مدیریت بازرگانه

# دل نوشته



## سیزدهم رجب المرجب

سیزدهم رجب المرجب ، ولادت فاتح خیبر !

هرسال به سیزدهم رجب که می‌رسیم ، می‌بینم نمی‌توان این عدد را نحس دانست !  
همین که امیرالمؤمنین در این روز به دنیا آمدند ، اصلاً می‌شود کلِ فخر و خوشی دنیا !  
می‌دانید...

در هیچ کجای تاریخ ، در هیچ گوشه و کناری ، در هیچ جای دیگری از دنیا ممکن نبود و نیست ، مردی چون علی(ع)!  
تمام خوبی‌ها و محبت‌ها و دانش رسول الله (ص) را در یک نفر جمع کنی ، می‌شود ؛  
علی(ع)!

می‌شود سرِ خم شده علی(ع) و درد و دل با چاه ! که مباد کودکان یتیم کوفه ، اشکی از او ببینند و دلشان به لرزه بیفتند...  
هر چه قدر هم که بخواهی ، می‌توانی از او بنویسی...

از بزرگی اش ،

از رشادت‌هایش ،

از مردانگی اش...

اما می‌دانی ،

فقط علی(ع) است که حتی نامش ، حتی یک توسل کوچک به او ، می‌تواند دلت را قرص کند...

که اصلاً شیعه مرتضی علی(ع) و لرزیدن دل؟!!

که اصلاً گدای در خانه امیرالمؤمنین و دلهره؟!!

که فخر و مَبَاهاتِ خود من به تنهایی ، همین که از کودکی وقتی زمین خوردم ، یادم دادند می‌خواهی بلند شوی بگو  
یا علی !

یا علی...

روحی بَفاکِ پدر جان...هرچند ، رو سیاه و شرمنده!

مبارک باد این فرخنده روز ، که کعبه «فاتح خیبر» را در خود پناه داد...

مآئده حاج محمدی

کارشناسه مدیریت صنعتی